فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۸۹ - ۱۶۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۷

تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه

سهند شهبازی[۱]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان(خوراسگان)
حسین مسعودنیا[۲]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
مهناز گودرزی[۳]
استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان(خوراسگان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۶**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

ایجاد خاورمیانه‌ای مبتنی بر همگرایی در مقایسه با اتحادیهٔ اروپا که از جنگ خانمان‌سوز جهانی دوم به همگرایی رسید، امکان‌پذیر می‌باشد. تجربه موفق اروپا در گرایش به همگرایی، بیش از همه مدیون همکاری دو دولت هم‌پیمان آلمان و فرانسه بود. پیش‌شرط تکرار موفقیت اروپا در منطقه خاورمیانه، تعیین دو دولت پیشرو در خاورمیانه است. ایران و ترکیه دو دولت غیرعرب منطقه، جزو پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه هستند که از نظر جغرافیایی در همسایگی هم قرار دارند. مناسبات این دو دولت، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، دستخوش تغییراتی شد و بهبود یافت و این دو دولت همکاری نزدیک و مشترک خود را برای تأثیر بر منطقه آغاز کردند. بنابراین، مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفت. روش تحقیق کیفی و از نوع تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات اسنادی است. نظریه نوکارکردگرایی ارنست هاس در زمینهٔ همگرایی به عنوان پایهٔ تئوریک پژوهش حاضر انتخاب شد. به منظور پاسخ به سؤال‌های تحقیق، چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های مختلف شناسایی و اولویت‌بندی شد. نتایج نشان داد که ایجاد همگرایی در منطقهٔ خاورمیانه به دنبال گسترش روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی، با تدوین چشم‌انداز همگرایی و با شعار «قدرتمندیِ منطقه، نه قدرتمندی در منطقه» و با تشکیل اتحادیه‌ای فراملی توسط دو دولت و با گسترش به سایر دولت‌های منطقه طبق نظریه سرریز هاس محقق می‌شود.؟

واژه‌های کلیدی: همگرایی، خاورمیانه، ایران، ترکیه، اتحادیهٔ فراملی.

1. shahbazisahand@yahoo.com
2. h.masoudnia@ase.ui.ac.ir
3. m_goodarzi@khuisf.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

مقدمه

همگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل روابط بین‌الملل به طور اعم و مطالعات منطقه‌ای به طور اخص محسوب می‌شود (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳۴۲). منافعی که از ایجاد همگرایی و تشکیل جوامع امن نصیب دولت‌های منطقه می‌شود، باعث رغبت هرچه بیشتر آنها برای حرکت به این سو است. حرکت به سمت ایجاد این روند در مناطق مختلف بسته به شرایط و عوامل خاص آن منطقه متفاوت است. در منطقه‌ای مانند اروپا روند همگرایی به صورت چندجانبه وجود دارد. اشتراکات تاریخی و فرهنگی از یک سو و تشابهات اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر، این روند را تسریع می‌کند. موفقیت برنامه‌های اقتصادی دول محوری این منطقه یعنی آلمان و فرانسه، دیگر دولت‌ها را ترغیب کرد تا پیرو برنامه‌های مشترک اقتصادی شوند و به سمت همگرایی اقتصادی نیز حرکت کنند.

شاید در نگاه اول به نظر رسد که خاورمیانه دورترین منطقه برای رسیدن به همگرایی است؛ چراکه اختلافات سیاسی موجود بین ایران، عربستان و ترکیه به عنوان سه ستون اصلی منطقه باعث واگرایی می‌باشد. این اختلافات به حدی است که بحران‌های سوریه و یمن تبدیل به جنگ نیابتی بین این دولت‌ها شده است. اما نباید فراموش کرد که اروپا از جنگ جهانی دوم و تقابل نظامی مستقیم و بسیار خانمان‌سوزتر از بحران‌های آسیای جنوب غربی به سمت همگرایی حرکت کرد و به همگراترین منطقهٔ جهان تبدیل شد. بنابراین، حرکت به سمت همگرایی در آسیای جنوب غربی و به تبع آن در خاورمیانه غیرممکن نیست. واضح است که گام اول در ایجاد همگرایی، هم‌سویی دولت‌های تأثیرگذار منطقه خواهد بود. ایران، عربستان و ترکیه به عنوان ستون‌های اصلی این منطقه نقش اساسی را در روند همگرایی خواهند داشت. روابط ایران و ترکیه به عنوان دو دولت غیرعرب منطقه با مرزهای مشترک و بهبود این رابطه کمک شایانی در حرکت به سوی همگرایی خواهد داشت. در نتیجه با توجه به اینکه منطقه آسیای جنوب غربی از دیرباز یکی از مهم‌ترین مناطق جهان و دارای اهمیت استراتژیک بالایی بوده و دو دولت ایران و ترکیه با توجه به فرصت‌های موجود خود همواره به عنوان دو قدرت مهم و کلیدی این منطقه مطرح بوده‌اند و هدف غایی بین‌المللی هر دو دولت همواره رسیدن به یک جایگاه برتر در منطقه و تلاش برای دستیابی به موقعیت قدرت اول منطقه بوده است، همکاری این دو دولت برای شروع روند همگرایی اجتناب‌ناپذیر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

است. ایران و ترکیه، به خاطر موقعیت‌های استراتژیک، منابع طبیعی، اشتراکات و پیوندهای تاریخی- فرهنگی، ساختارهای جمعیتی و اتحادهای بین‌المللی‌شان از دولت‌های تأثیرگذار منطقه به شمار می‌روند که جایگاهشان در ارتباط با تحولات منطقه‌ای و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ نه تنها در روند تحولات منطقه‌ای تأثیر عمیق دارد، بلکه در سیستم‌های بین‌المللی نیز تأثیرگذار است (قائم‌پناه، ۱۳۹۰: ۵۲). روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه را می‌توان نقطه عطفی هم در بهبود و هم درپیچیده شدن مناسبات ایران و ترکیه دانست. روابط تجاری دهۀ اخیر، اوج گسترش روابط دو کشور است که بر مبنای گزارش‌های سالانۀ مرکز آمار اقتصادی ترکیه حجم روابط تجاری تهران- آنکارا تقریباً از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ و ۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ م. افزایش یافت (بارکی[1]، ۲۰۱۱: ۱۲).

علاوه بر عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی که در روابط بین ایران و ترکیه موجب همگرایی بین این دو کشور و سایر کشورهای منطقه شده است، روابط دو کشور متأثر از عامل مذهب است که در جهت مخالف با همگرایی بین دو کشور و ایجاد تشنج در منطقه تأثیر سوئی در همگرایی به وجود آورده است. توجه ایران به ویژگی دین‌محوری، تفاوت‌های عمیقی با نظام سیاسی ترکیه دارد. سیاست خارجی ترکیه متکی بر منافع ملی است که تحولات اخیر در جهان عرب و به ویژه تحولات سوریه آن را نمایان‌تر کرده است؛ در حالی که در سیاست خارجی ایران منافع ملی با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی گره خورده است. در این نقطه هیچ وجه اشتراکی میان ترکیه و ایران مشاهده نمی‌شود (صدیق بطحایی اصل، صراف یزدی و صبری، ۱۳۹۱: ۱۸۶) و در برخی مسائل بر میزان تعامل و مناسبات سیاسی و فرهنگی سایه افکنده و موجب سردی روابط بین این دو دولت شده است. در نتیجۀ چنین روندی در ایجاد همگرایی بین دو کشور و به دنبال آن در ایجاد شرایط برای همگرایی بین سایر کشورهای منطقه تأثیری عکس داشته است. در نتیجه یکی از چالش‌های روابط ایران و ترکیه مسئلۀ مذهب است. در این مسئله عربستان، کشور قدرتمند دیگر منطقه، نیز برای خود صاحب سبک است و بارها و بارها موجب ایجاد تشنج در منطقه شده است. در نتیجه با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط ایران و ترکیه و همچنین با توجه

1. Barkey

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

به خلأ تحقیقاتی در زمینهٔ روند همگرایی در آسیای جنوب غربی، ضرورت تحقیق در مورد تأثیر روابط ایران و ترکیه در روند همگرایی در منطقه را روشن می‌کند. بنابراین، مقاله حاضر در پی آن است که تحولات در روابط و مناسبات دوجانبهٔ ایران و ترکیه را در دو دهه گذشته مورد توجه قرار دهد. در نتیجه سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی پیش روی ایران و ترکیه کدام‌اند و چگونه می‌توان با تبدیل چالش‌های روابط ایران و ترکیه به فرصت و با بهره‌گیری از نمونه موفق اروپا در ایجاد همگرایی، همگرایی در آسیای جنوب غربی و به تبع آن خاورمیانه را تقویت کرد؟

مبانی نظری

پیشینه

بررسی صورت‌گرفته از سوابق و پیشینهٔ پژوهش حاکی از آن است که به‌رغم انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص روابط ایران و ترکیه و شناسایی تهدیدها و فرصت‌های هر یک از این دو دولت، تاکنون هیچ کدام از آنها به تأثیر روابط ایران و ترکیه در ایجاد و روند همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی و به تبع آن خاورمیانه به مطالعه و تحقیق نپرداخته‌اند. بنابراین، در این بخش چندین پیشینه در ارتباط با روابط ایران و ترکیه و چالش‌ها و فرصت‌های ایران و ترکیه تشریح می‌شود. علاءالدین، پلانی، بابوناشویلی و بالیسدل[1] (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان «اتحادیه اروپا و ترجیحات انرژی ترکیه در دریای خزر و آسیای مرکزی در ایجاد همگرایی بین دو منطقه» انجام داده‌اند. نتایج این مطالعه بیانگر آن بود که عوامل استراتژیک انرژی منجر به ایجاد همگرایی و همکاری بین اتحادیه اروپا و ترکیه در سیاست‌های کلی و اقتصادی می‌شوند. گرچه اتحادیهٔ اروپا و ترکیه همچنان بر سر مسائل جغرافیایی، مهاجرت، ضد تروریسم و جنگ در سوریه به همگرایی مشخصی نرسیده‌اند. این مسائل سیاسی و جغرافیایی، منجر به افزایش روابط بین ترکیه با روسیه و ایران شده و سیاست‌های داخلی این دولت را نیز تغییر داده است.

لیندنستراوس۲ (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «ترکیه و ایران دو قدرت منطقه» انجام داده است. به گفته وی ایران و ترکیه به عنوان قدرت‌های منطقه نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا

1. Ala`Aldeen, Palani, Babunashvili & Balisdell
2. Lindenstrauss

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

می‌کنند. در حال حاضر، هر دو دولت به برخی از جنبه‌های نظم بین‌المللی توجه داشته و در مورد نفوذ محدود اسلام در نهادهای بین‌المللی مهم، چالش‌برانگیز رفتار می‌کنند و روابط پیچیده‌ای با قدرت‌های جهانی دارند. ایران و ترکیه هر دو ایالات متحده را به یک میزان تهدیدآمیز به شمار می‌آورند. در سیستم منطقه چند قطبی خاورمیانه، ایران، اسرائیل و عربستان سعودی، مثال بارز مشارکت بی نتیجه هستند که هرگز با یکدیگر همکاری نخواهند داشت. علاوه بر این، بحران ترکیه و مصر، هر چند به میزان اندک، همچنان ادامه دارد و تا به حال از حل و فصل آن جلوگیری به عمل آمده است. در نتیجه با توجه به بحران عربستان سعودی با قطر، به نظر می‌رسد که روابط ترکیه و ایران همچنان بیشتر از گذشته شود.

صدیق بطحایی اصل و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روابط ایران و ترکیه در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تحولی اساسی و متفاوت با روابط گذشته و نگاه تاریخی یافته و بازخوردی از تحول در سیاست خارجی دو دولت است. در نتیجه عرصهٔ اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم‌ترین عوامل همسویی منافع ایران و ترکیه در سه دههٔ اخیر، نشان‌دهندهٔ مصلحت‌گرایی سیاسی و منفعت‌طلبی اقتصادی بوده است. در همین زمینه قاسمی و حسن‌زاده (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «آیندهٔ روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی» انجام دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اختلاف‌نظر و تضاد منافع ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه باعث واگرایی آنها می‌شود. اما پیوندها و منافع اقتصادی مشترک، مانع وارد آمدن آسیب‌های جدی بر روابط دو کشور می‌شود.

عیوضی و آفتابی مایان (۱۳۹۶) در پژوهشی دیگر با عنوان «چشم‌انداز روابط سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام» به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های چهار دولت قدرتمند مسلمان منطقه شامل ایران، عربستان، ترکیه و مصر در منطقه پرداختند. آنها پس از شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود این کشورها و در جهت دستیابی به راهی برای همگرایی در منطقه، به این نتیجه دست یافتند که ایران با توجه به فشارها و تحریم‌های بین‌المللی که پیش رو دارد، ابتدا باید با ائتلاف با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام نظیر ترکیه، عربستان و مصر به حفظ امنیت و همچنین اهدافش در منطقه دست یابد. این ائتلاف می‌تواند به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

شکل‌گیری یک سازمان فراملی سیاسی- نظامی برای تأمین اهداف حیاتی هر چهار قدرت در حفظ امنیت‌شان منجر شود. همچنین به تعدادی دیگر از پژوهش‌ها در این زمینه با عنوان «اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه» توسط غائبی (۱۳۹۵)، «رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران (۲۰۱٤-۲۰۰۲)» توسط رسولی و ایمانی (۱۳۹٤)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران» توسط مسعودنیا و نجفی (۱۳۹۰) و «فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه» توسط گودرزی و ابراهیمی (۱۳۹۲) می‌توان اشاره کرد. نتایج حاصل از این تحقیقات به ویژه نتایج مربوط به روابط اقتصادی ایران و ترکیه در بهبود روابط سیاسی و در نتیجه روند همگرایی در خاورمیانه و همچنین شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های روابط ایران و ترکیه در این پژوهش مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در واقع، در مطالعاتی که ذکر شد بیشتر به روابط ایران و ترکیه در عرصهٔ اقتصادی با هدف مصلحت‌اندیشی در عرصه سیاسی و امنیتی و منفعت‌طلبی در عرصه اقتصادی بوده است. اما در پژوهش حاضر پا را فراتر نهاده و با شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی روابط ایران و ترکیه و چگونگی بهره‌گیری این دو دولت از فرصت‌ها و تلاش برای تبدیل چالش‌ها به فرصت، به دنبال ایجاد همگرایی با کمک دو دولت مذکور ابتدا در آسیای جنوب غربی و سپس گسترش آن به خاورمیانه است.

چارچوب نظری

مطالعات همگرایی در مکتب نوکارکردگرایی با نام ارنست هاس[1] شناخته می‌شود. هدف نوکارکردگرایی تبیین این مسئله بود که چرا و چگونه دولت‌ها حاکمیت خود را رها می‌کنند و حاکمیت‌ها در هم آمیخته می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸٦: ٦۰). همگرایی از نظر هاس فرایندی است که از طریق آن کنشگران سیاسی در فضاهای ملی متعدد و متمایز متقاعد می‌شوند که وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدید و بزرگ‌تری سوق دهند که نهادهای آن از صلاحیت قانونی بر دولت‌های قبلی برخوردارند یا خواهان چنین صلاحیتی هستند (همان: ٦۲). این فرایند در بستری غیرسیاسی، یعنی در زمینه‌های اقتصادی،

1. Ernest Huss

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

اجتماعی و فنی شکل می‌گیرد (دوئرتی و فالتزگراف[1]، ۱۹۷۱: ۲۸۱). هاس به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد (مشیرزاده، ۱۳۸٦: ٦۲). از نظر هاس تعمیق همگرایی در یک بخش اقتصادی باعث بروز فشارهایی برای همگرایی بیشتر در حوزه اقتصاد و سپس حوزه سیاست می‌شود و ظرفیت اقتداری بزرگ‌تر را در سطح اروپا موجب می‌شود (هاس، ۱۹۷٦؛ به نقل از بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۷). در حقیقت، از نظر وی قدم‌های اولیه همگرایی معمولاً اقتصادی هستند، اما این امر در تصمیم‌گیری در مورد میزان تفویض استقلال یا حاکمیت ملی به اتحاد جدید، آثار سیاسی دربر دارد. از آنجا که همهٔ گروه‌های ذی‌نفع، منافعی در فرایند همگرایی می‌بینند، همگرایی تحقق خواهد یافت. نوکارکردگرایی با توجیه ارتباط بین قدرت و همکاری و همچنین مشخص کردن این نکته که این روش رسیدن به همگرایی مبتنی بر منافع است و پرهیز از آرمان‌گرایی، تئوری مناسب و منطقی‌ای می‌باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ٦۷۵–٦۷٤). از آنجا که برای تشکیل یک همگرایی منطقه‌ای، اقدام گام به گام اقدامی موفقیت‌آمیز است، بنابراین از این نظر ایجاد یک هسته مرکزی اولیه از دولت‌هایی که دارای استعداد و انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری هستند و پیوستن دیگر دولت‌های منطقه در مراحل بعدی به این هسته، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف‌های بلندمدت توسعه پایدار منطقه است (سیف‌زاده، ۱۳۷۹). بنابراین، تئوری نوکارکردگرایی هاس مبنای تحلیل نظری در این پژوهش خواهد بود. ایراد اساسی نوکارکردگرایی هاس را اروپامحور بودن آن می‌دانند، ولی با کمی تعدیل، می‌توان این نظریه را به جنوب غربی آسیا و خاورمیانه تعمیم داد. در نتیجه بر اساس نظریه نوکارکردگرایی هاس و با توجه به موقعیت کشورهای منطقه خاورمیانه از لحاظ ژئوپلیتیک، دو دولت ایران و ترکیه از نظر جغرافیایی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی نسبت به سایر دول به یکدیگر نزدیک بوده و برای حفظ منافع و قدرتمندی خود در منطقه می‌توانند به عنوان دولت‌های آغازگر گرایش به همگرایی در منطقه معرفی شوند.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی است. همچنین با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و بهره‌ای که می‌توان از نتایج آن برای تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی

1. Dougherty & Pfaltzgraff

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

در جنوب غربی آسیا و خاورمیانه داشت، پژوهش کاربردی می‌باشد. موارد مورد مطالعه، اسناد تحلیلی مرتبط با روابط ایران و ترکیه و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های مشترک این دو کشور در روند همگرایی در جنوب غربی آسیا و به تبع آن خاورمیانه و انطباق همگرایی به‌دست‌آمده از رابطه فرانسه و آلمان در اروپا با همگرایی مفروض در خاورمیانه با رابطهٔ ایران و ترکیه در روند همگرایی است. گردآوری اطلاعات تحقیق، کیفی و از نوع مطالعات اسنادی با هدف دستیابی به راهکارهای کاربردی در ارتباط با روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و علمی- فرهنگی در بهبود روند همگرایی در خاورمیانه است. همچنین به منظور تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل متون بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

روابط ایران و ترکیه

در طول تاریخ روابط ایران و ترکیه دستخوش تغییرات عدیده‌ای بوده است. در برخی دوران روابط آنها نزدیک‌تر شده و در برخی مواقع نیز دچار تضاد بوده و سردی روابط را به همراه داشته است. اصولاً همسایگی دو کشور ایران و ترکیه و وقوع آنها در یک منطقه جغرافیایی به علاوه جایگاه قدرتمند دو دولت در منطقه، عرضه رقابت بر سر قدرت و رسیدن به جایگاه برتر منطقه‌ای را هموار کرده است. اخیراً دو دولت آشکارا نقش فعالی را در منطقه برای خود تعریف کرده‌اند. نقشی که در جدی‌ترین و اثربخش‌ترین پدیده‌ها و وقایع مهم منطقه قابل رؤیت است (اسماعیل‌زاده امامقلی، ۱۳۹۶: ۱۵).

چالش‌های روابط ایران و ترکیه

در محدوده روابط دو دولت ایران و ترکیه، چالش‌هایی در روند همگرایی خاورمیانه وجود دارد. به طور کلی عمده‌ترین چالش‌های موجود در روابط بین ایران و ترکیه عبارت‌اند از:

۱. ارائه مدل‌های متفاوت توسعه برای کشورهای منطقه توسط ایران و ترکیه (غائبی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

۲. رقابت اقتصادی (عیوضی و حسینی، ۱۳۹٤: ۱۰۱).

۳. روابط علمی- فرهنگی (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱٦۸).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

۱-۳. تأثیر زبان در روابط ایران و ترکیه (همان: ۱٦۷).

۲-۳. رویکرد مذهب در روابط ایران و ترکیه (حافظ‌نیا و زرقانی،۱۳۹۱: ۱٤٥).

۳-۳. رویکرد تقابل بر سر ایفای نقش رهبری در جهان اسلام در روابط ایران و ترکیه (چتین سایا۱، ۲۰۰۷: ۱٦۲).

٤-۳. رویکرد تقابل شیعه و سنی در روابط ایران و ترکیه (احمدیان و همکاران، ۱۳۹٥: ۱٦۷).

٥-۳. ترویج ایدئولوژی پانترکیسم (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹٥: ۱۸۰).

٤. رقابت‌های منطقه‌ای (غبیشاوی، ۱۳۹٤: ۳).

عمده‌ترین اختلاف‌ها در روابط ایران و ترکیه در بخش فرهنگی به صورت اعم و مذهب به صورت اخص وجود دارد. پیروی از دین اسلام، مذهب و رهبری دینی در منطقه بزرگ‌ترین چالش در روابط ایران و ترکیه است. در روابط فرهنگی و مذهبی ایران و ترکیه به‌رغم دارا بودن دین مشترک، در برخی از نگرش‌های دینی تفاوت‌های اساسی مشاهده و مانع از همگرایی بین دو دولت شده است. ترکیه با دارا بودن اکثریت مسلمان سنّی در مقابل ایران با اکثریت مسلمان شیعی، ترکیه با تأکید بر اسلام سکولار در مقابل ایران با تأکید بر اسلام سیاسی، نه تنها در این مسئله به هویتی مشترک دست نیافته‌اند، بلکه با دیدگاه‌های افراطی در نگرش خود موجبات واگرایی را فراهم آورده‌اند.

فرصت‌های روابط ایران و ترکیه

علاوه بر وجود چالش‌هایی در روابط ایران و ترکیه، فرصت‌هایی نیز بین دو طرف مشهود است. ایران پل ارتباطی ترکیه به شرق و ترکیه پل ارتباطی ایران به غرب است. به‌طور کلی عمده‌ترین فرصت‌های روابط ایران و ترکیه عبارت‌اند از:

۱. آینده عراق

۲. الگوی دموکراسی ترکیه در برابر الگوی موفق ایران (شفیعی، ۱۳۹۰: ۱).

۳. مبارزه با تروریسم و انجام فعالیت‌های انسان‌دوستانه (آتاچ، ۲۰۱٦: ۱۰۷).

٤. مسئله کردها (رضازاده، ۱۳۸٦: ۱۳٤).

1. Cetinsaya

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

۵. مسائل اقتصادی (غائبی، ۱۳۹۵: ۹۹).

عمده‌ترین فرصت‌های روابط ایران و ترکیه در مسائل اقتصادی به صورت اعم و تجارت و انتقال منابع انرژی و حمل و نقل ترانزیتی به صورت اخص می‌باشد.

روند همگرایی در پی روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی- فرهنگی و امنیتی

۱. روند همگرایی در پی روابط ایران و ترکیه در حوزه اقتصادی: ترکیه و ایران به‌طور چشمگیری از سال ۲۰۰۰ به این سو مناسبات اقتصادی خود را گسترش داده‌اند. اقتصاد پویای حزب عدالت و توسعه و اقبال عمومی از موفقیت‌های اقتصادی این حزب، مقامات ترک را بر آن داشت تا روابط اقتصادی سطح بالایی را با ایران برقرار کند. یکی از دلایل برقراری روابط اقتصادی گسترده در کنار روابط سیاسی مناسب میان دو دولت، حضور جمع کثیری از سرمایه‌گذاران و تجار ترکیه در کنار هیأت‌های سیاسی و دیپلماتیک ترکیه است. این عامل باعث شده تا ترکیه روابط اقتصادی خود را به طور چشمگیری با ایران افزایش دهد. از سوی دیگر، ایران نیز با توجه به برنامه توسعه کشور به دنبال دستیابی به مقام اول اقتصادی در منطقه است که این مهم از طریق روابط اقتصادی گسترده با سایر کشورها از جمله همسایگان حاصل می‌شود. به همین علت ایران در کنار ترکیه گام‌های مثبتی برای بهبود روابط دوجانبه اقتصادی برداشته است (عیوضی و حسینی، ۱۳۹٤: ۱۰۰). عمده‌ترین دلیل گسترش روابط تجاری ایران و ترکیه، حمایت دولت‌های دو کشور از رشد روابط تجاری دوجانبه است. توسعه روابط تجاری با ایران بخشی از استراتژی ترکیه در قبال خاورمیانه است. دولت‌های ترکیه و ایران از جمله دولت‌هایی هستند که سیاست خود را متوجه سطح موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه در خاورمیانه و به‌ویژه با دولت‌های مسلمان و همسایهٔ خود کرده‌اند. در ایران براساس برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، حضور مؤثر در تشکل‌های منطقه‌ای و انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی[1]، به‌ویژه با کشورهای مسلمان و همسایه در دستور کار دولت قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در این زمینه انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و ترکیه در سال ۲۰۱۵ میلادی بوده است (همان: ۱۱٤).

1. Preferential Trade Agreements (PTA)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

مزیت‌های اقتصادی ایران و ترکیه برای یکدیگر در فضای رفع اختلافات و نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی، موجب افزایش همکاری‌های اقتصادی و تعاملات تجاری شده و شاهد رشد اعداد و ارقام (افزایش حدود ٦ میلیارد دلاری در نیمه اول سال ١٣٩٦ش.) در این زمینه بوده است (خبرگزاری ایرنا، ١٣٩٦). روابط اقتصادی ایران و ترکیه از پایدارترین نوع روابط میان دو کشور بوده و حتی در اوج اختلافات دو دولت، دچار آسیب جدی نشده است. امروزه روابط میان دو کشور در همهٔ سطوح دنبال می‌شود. روابط خوب اقتصادی ایران و ترکیه بی تردید بر مناسبات سیاسی دو دولت نیز تأثیر گذاشته و باعث بهبود آن شده است. همان‌طور که در عرصه عمل این مهم به اثبات رسید. برآیند چنین تعامل دوسویهٔ سیاسی- دیپلماتیک و اقتصادی ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و ترکیه در خاورمیانه است (قاسمی و حسن‌زاده، ١٣٩٣: ١١٦). از سوی دیگر، روابط اقتصادی همواره نشان داده که به دو طریق می‌تواند بر روابط سیاسی و امنیتی بین ایران و ترکیه مؤثر باشد. نخست اینکه روابط اقتصادی در سطح بالا از تنش‌های سیاسی و امنیتی بین دو دولت می‌کاهد و دوم اینکه روابط اقتصادی می‌تواند باعث شکل‌گیری روابط سیاسی و امنیتی بهتر بین دو دولت شود (عیوضی و حسینی، ١٣٩٤: ١١٤). به‌رغم هشدار آمریکا به شرکت‌های ترک و مؤسسات مالی در مورد از دست دادن شانس حضور در بازار آمریکا در صورت تجارت با ایران، نیاز شدید ترکیه به منابع انرژی و واردات یک سوم گاز مورد نیاز ترکیه از طریق ایران و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که گردشگری و تجارت با ایران منبع درآمد و ایجاد اشتغال در ترکیه است، شاید دور از انتظار باشد که ترکیه از همکاری اقتصادی با ایران چشم‌پوشی کند (احمدی‌پور، جنیدی و آقاگل‌زاده، ١٣٩٥: ٢٣). بنابراین، مشخص می‌شود که ترکیه بسیار نیازمند و مشتاق به همکاری و همگرایی اقتصادی است. سران ترکیه در پی آن هستند که با اکثر کشورها تعاملات اقتصادی پویا و مستحکم ایجاد کنند و از بیشترین ابزار در جهت این مهم بهره ببرند. در این خصوص بوده است که مهم‌ترین حوزهٔ همکاری‌های دوجانبهٔ تهران و آنکارا در سال‌های اخیر، حوزه اقتصادی بوده است. ایران و ترکیه با بیش از ١٦٠ میلیون نفر جمعیت و بیش از ٤٢٠ میلیارد دلار حجم تجارت خارجی، از توانمندی گسترده‌ای برای همکاری برخوردارند و توانمندی شرکت‌های تولیدی و خدماتی دو کشور برای حضور مشترک در بازارهای بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. ایران و ترکیه می‌توانند همانند آلمان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

و فرانسه در اتحادیه اروپا، نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا کنند و به نظر می‌رسد که همکاری دو دولت عاملی برای ایجاد نظم نوین اقتصادی در منطقه خواهد بود (رضایی، ۱۳۸۸: ۲). شاید بتوان گفت کلید درب اول برای ورود به همگرایی در جنوب غربی آسیا و تسری آن به خاورمیانه روابط مطلوب اقتصادی باشد. طبق تعریفی که هاس از مفهوم «سرریزی» ارائه می‌کند، اقتصاد نقش سیال اولیه در درون لیوان همگرایی را دارد. منطقه خاورمیانه به نوعی دارای دو گروه مشخص است. گروهی به رهبری عربستان، اتحادی اقتصادی با حضور شش کشور حوزه جنوبی خلیج‌فارس (فعلاً به استثنای قطر)، مصر، اردن، بخشی از لبنان و بخشی از یمن را تشکیل داده‌اند. گروه دوم به رهبری ایران و با حضور عراق، سوریه، بخشی از یمن و بخشی از لبنان تشکیل شده است. حلقه رابط این دو گروه که روابط مطلوبی با هر دو طرف دارد، ترکیه است. بهبود روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه باعث خواهد شد تا این همکاری به شکل متصل به گروه اول نیز تسری یابد.

۲. روند همگرایی در پی روابط ایران و ترکیه در حوزه سیاسی: پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت نشأت‌گرفته از این حزب براساس نظریه «عمق استراتژیک» احمد داوداوغلو و در ادامهٔ آن با پیروی از سیاست «به صفر رساندن مشکلات به همسایگان»، مسائل خاورمیانه را در برنامه‌های سیاست خارجی خود بسیار مدنظر قرار داد و می‌توان گفت که بیش از سایر احزاب نگاه به منطقه خاورمیانه را در دستور کار خود دارد. به عبارت بهتر، نگاه به خاورمیانه در راستای متوازن‌سازی سیاست خارجی ترکیه صورت پذیرفته است. متوازن‌سازی سیاست خارجی در ترکیه بدین معنا که ضمن حفظ روابط مستحکم با غرب، شاهد واگذاری وزن بیشتر به تعاملات و روابط با کشورهای شرق به طور عام و کشورهای خاورمیانه به‌طور خاص هستیم. برگزاری دو اجلاس مهم سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۲۰۰۴م. گویای مسئله متوازن‌سازی در سیاست خارجی است که از طرف حزب عدالت و توسعه اجرا می‌شود. بنابراین، در یک نگاه کلی می‌توان گفت که ترکیه در سیاست خارجی خود سیاستی متوازن و متضمن منافع ملی‌اش را در پیش گرفته است و سعی دارد با همه منابع قدرت تأثیرگذار جهانی، دارای تعامل سازنده باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۷۷). ترکیه درصدد است تا ضمن حفظ روابط خود با غرب و آمریکا، روابطش را با همسایگان نیز بهبود بخشد و سیاست خارجی نگاه به شرق و گسترش

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

روابط با چین و روسیه را – همزمان با ارتقای روابط با جهان اسلام و منطقه خاورمیانه – در دستور کار خود قرار داده است (همان).

با توجه به آگاهی از وضعیت روابط سیاسی ایران و ترکیه در پژوهش حاضر، تأثیر این روابط بر همگرایی در آسیای جنوب غربی و به تبع آن در خاورمیانه قابل تبیین است. دولت‌های خاورمیانه به دو گروه عمدهٔ اقتصادی تقسیم شده‌اند. همین تقسیم‌بندی به نوعی دیگر به مسائل سیاسی نیز قابل تعمیم است. گروهی به رهبری عربستان، اتحادی سیاسی با حضور شش کشور حوزه جنوبی خلیج‌فارس (البته فعلاً به استثنای قطر)، مصر، اردن، بخشی از لبنان و بخشی از یمن را تشکیل داده‌اند. گروه دوم به رهبری ایران و با حضور عراق، سوریه، بخشی از یمن و بخشی از لبنان تشکیل شده است. حلقهٔ رابط این دو گروه که روابط مطلوبی با هر دو طرف دارد، ترکیه است. ترکیه می‌تواند نقش میانجی را بین این دو گروه یا به نوعی بین دو دولت ایران و عربستان بازی کند. به هر حال آنچه ترکیه می‌تواند انجام دهد، تلطیف روابط ایران و عربستان است. ترکیه می‌تواند از حساسیت دول عرب گروه اول نسبت به ایران بکاهد و اطلاعات صحیح‌تری از مقاصد ایران برای عربستان تشریح کند. همه این موارد در صورتی امکان‌پذیر است که روابط سیاسی ایران و ترکیه در سطح مطلوب باقی بماند. پس مشخص است که همگرایی سیاسی در منطقهٔ خاورمیانه ارتباط مستقیمی با سطح روابط سیاسی ایران و ترکیه دارد. موردی که می‌تواند کمک شایانی به افزایش سطح روابط و همکاری‌های سیاسی دو دولت کند، مسئله آینده سوریه بعد از داعش است. همکاری گسترده ایران و ترکیه در مبارزه با داعش و نزدیکی سیاست‌های دو طرف به همین علت، می‌تواند زمینه‌ساز حرکت دو دولت به همسویی سیاستشان در آینده سوریه باشد. همین موضوع به قدری حائز اهمیت هست که تأثیر مستقیمی بر کاهش تنش‌های منطقه‌ای داشته باشد. این همکاری می‌تواند نقش تفرقه‌افکن عربستان سعودی را در سایر بحران‌های خاورمیانه کاهش داده و موجب حل این بحران‌ها از جمله بحران یمن به کمک نزدیکی ایران و ترکیه شود.

۳. روند همگرایی در پی روابط ایران و ترکیه در حوزه علمی– فرهنگی: امروزه فرهنگ نقش محوری در روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها دارد و رابطه ایران و ترکیه نیز از این قائده مستثنی نیست. ویژگی منحصر به فردی که دو دولت ایران و ترکیه در منطقه دارای آن هستند، این است که کلیهٔ کشورهای خاورمیانه در حافظه تاریخی خود زیر پرچم یکی از این دو

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

دولت بوده‌اند. همین باعث نفوذ فرهنگ این دو کشور در سایر کشورهای خاورمیانه شده است. این تأثیر یک‌جانبه نبوده و سایر کشورهای منطقه نیز که همگی عرب زبان و دارای فرهنگ تقریباً مشترک هستند، نیز بر این دو کشور تأثیر گذاشته‌اند. مبادلات فرهنگی میان ایران و ترکیه تاریخ طولانی دارد. پس از شکل‌گیری جمهوری ترکیه بسیاری از برنامه‌های فرهنگی دو دولت دنبال شد. این مهم تا جایی پیش رفت که منتهی به تدوین برنامهٔ مبادلات فرهنگی بین ایران و ترکیه شد. با پیروزی انقلاب اسلامی برخی از مواد و محتوای این برنامه که با اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق نبود، حذف و بازنویسی و همچنین موادی به آن اضافه شد. به هر ترتیب، روابط فرهنگی با ترکیه برای ایران بسیار حائز اهمیت است. در این راستا، طبق ماده ۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مجاز است تا از آثار فرهنگی، تاریخی و میراث معنوی حوزه فرهنگی ایران، موجود در کشورهای همسایه و منطقه و سایر کشورها به عنوان میراث فرهنگی را شناسایی و از آنها حمایت کند. بر این اساس دولت فعلی و دولت‌های آینده در ایران مکلف خواهند بود تا روابطی حسنه با ترکیه که بخش قابل توجهی از آثار و میراث فرهنگی ایران در آن موجود است، داشته باشند (صدیق، ۱۳۹٤: ۱۹۲). دین مشترک موجود در منطقه، یعنی اسلام ستون اصلی همکاری‌های فرهنگی منطقه‌ای می‌تواند باشد. در نتیجه توجه به اصل دین و اسلام‌گرایی در بین دو دولت می‌تواند موجب افزایش بیش از پیش مبادلات فرهنگی شود. ترکیه و ایران به عنوان کشورهای پیشرو در داشتن دانشگاه‌های جامع می‌توانند از این ظرفیت برای جذب دانشجویان از کشورهای منطقه اقدام کنند. البته ترکیه در این مورد چندین گام جلوتر از ایران در حرکت است. مبحث توریسم نیز یکی دیگر از شاخص‌های مثبت فرهنگی در روابط بین ایران و ترکیه است. به طور کلی ایران و ترکیه می‌توانند پل ارتباطی فرهنگی بین دولت‌های منطقه باشند.

٤. روند همگرایی در پی روابط ایران و ترکیه در حوزه امنیتی: مهم‌ترین راه ایجاد امنیت در خاورمیانه، حل مسئلهٔ هفتاد سالهٔ اراضی اشغالی توسط اسرائیل است. برای حل این معضل، همکاری ایران (به عنوان دولت پیشرو در مبارزه با اسرائیل) با ترکیه (به عنوان دولت مسلمانی که بدون سابقه درگیری نظامی، با اسرائیل ارتباط مناسبی دارد) مؤثر خواهد بود. هم‌سویی ایران و ترکیه در اعلام مواضع خود علیه اسرائیل و ارتباط رسمی ترکیه با این رژیم،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

کمک خواهد کرد تا تصمیمات «سخت» ایران به وسیله اقدامات «نرم» ترکیه به سمت اسرائیل روانه شود. این همکاری در درازمدت باعث کاهش قدرت رژیم اسرائیل و افزایش قدرت و محبوبیت ایران و ترکیه در منطقه و جهان اسلام خواهد شد.

تحلیل همگرایی در اروپا در پی روابط فرانسه و آلمان با همگرایی مفروض در خاورمیانه در پی روابط ترکیه و ایران

اولین گام همگرایی در اروپا و تشکیل اتحادیه اروپا در بخش اقتصادی، توسط دو دولت فرانسه و آلمان و به پیشنهاد فرانسه آغاز شد. در حقیقت، اتحاد فرانسه- آلمان سنگ بنای پویایی قدرت اروپا محسوب می‌شود. به طوری که اختلافات بین این دو دولت باعث بروز جنگ‌هایی در این قاره بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵ شد. حل و فصل این اختلافات بعد از جنگ جهانی دوم، راه را برای صلح هموار کرد و موجبات ایجاد همگرایی از طریق تشکیل اتحادیه اروپا را فراهم ساخت. این همان عقلانیت سیاسی است. در حقیقت، روند همگرایی در اتحادیه اروپا از همکاری و همگرایی دو دولت فرانسه و آلمان در بخش ذغال و فولاد، در سال ۱۹۵۱ میلادی شروع شد. موفقیت در همکاری‌ها در این بخش، به گسترش همکاری در سایر بخش‌ها منجر شد. در نتیجه اولین گام برای دستیابی به همگرایی در اروپا و تشکیل اتحادیه اروپا در بخش اقتصادی، توسط دو دولت فرانسه و آلمان به پیشنهاد فرانسه آغاز شد. طرح شومان وزیر خارجه وقت فرانسه مبنی بر تشکیل جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا به عنوان پایهٔ نخستین همگرایی اروپایی و جلب مشارکت آلمان غربی در این طرح که بلافاصله با استقبال مقامات برلین مواجه شد، نقطه آغازین اجرای پروژه صلح در اروپا بود. آلمان غربی و فرانسه از تأسیس جامعه اقتصادی اروپا، سلف اتحادیه اروپا، در دهه ۵۰ میلادی دو هدف را دنبال می‌کردند: اول ایجاد یک سازمان سیاسی و اقتصادی برای ایجاد پیوند بین این دو دولت، تا بدین طریق احتمال وقوع جنگی دیگر در اروپا کاهش یابد. دوم تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری برای احیای اقتصاد جنگ‌زدهٔ اروپا. در نتیجه طبق نظر هاس با ایجاد یک هسته مرکزی اولیه از سوی دو دولت فرانسه و آلمان که دارای انگیزه برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری با هدف کاهش مناقشات منطقه‌ای و ترمیم مشکلات و مسائل اقتصادی در پی جنگ تازه از سر گشته بودند، همگرایی اولیه در بخش اقتصادی آغاز شد. هر دو دولت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

از تعامل خشنود بودند، به طوری که فرانسه احساس می‌کرد که هم همسایه شرقی خود را خنثی می‌کند و هم سیاست قاره اروپا را در کنترل خود دارد و از سوی دیگر، آلمان نیز با موفقیت با غرب آشتی کرده بود. محور آلمان- فرانسه تأثیر مهمی در همگرایی اروپا داشته است. فرانسه با هدف کنترل آلمان و بازگشت آلمان به حوزه قدرت‌های نظام بین‌الملل، برای گسترش همگرایی در اتحادیه تلاش کرد. قدرت سیاسی و نظامی فرانسه و قدرت اقتصادی و صنعتی آلمان توانسته جذابیت این سازمان را برای سایر اعضاء افزایش دهد. به همین منوال و با یک همکاری دوجانبه در صنعت ذغال و فولاد، یک همگرایی اولیه در بخش اقتصادی بین دو دولت مزبور ایجاد شد و به بخش‌های دیگر گسترش یافت.

در روند همگرایی در اتحادیه اروپا شاهد انسجام در ساختارهای اقتصادی دولت‌های عضو هستیم. ساختار اقتصادی مبنی بر اقتصاد سرمایه‌داری و بازار است که پیش‌شرط آن به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی توسط دولت‌ها و مداخلهٔ حداقلی دولت و مبادلهٔ آزاد است. وجود ساختار اقتصادی یکسان در دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، روند همکاری‌های اقتصادی در اتحادیه را تسریع کرده است. همچنین از دلایل موفقیت همگرایی در اتحادیه اروپا توان اقتصادی قوی دولت‌های عضو است. تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا رتبه دوم را در جهان دارد. همچنین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد. مکملیت اقتصادی[1] نیز از دیگر دلایل موفقیت همگرایی در اتحادیه اروپا بوده است. به گونه‌ای که بیشترین میزان تجارت، درون منطقه‌ای است که توان بالای دولت‌های عضو اتحادیه را در تأمین نیازهای یکدیگر نشان می‌دهد. شرایط اقتصادی مناسب موجب شده تا نیاز دولت‌های عضو اتحادیه به فناوری و سرمایه در داخل اروپا رفع شده و وابستگی متقابل درون منطقه‌ای تقویت شود و وفاداری و انسجام سازمانی بهبود یابد. اما عدم تجانس در ساختارهای اقتصادی دولت‌های منطقه خاورمیانه، یکی از موانع همگرایی است. در نتیجه باید افزایش انسجام در ساختارهای اقتصادی با تلاش دو دولت ایران و ترکیه انجام پذیرد و با تدوین قوانین و مقررات شفاف و یکدست می‌توان ابتدا شاهد همگرایی در سطح خرد بین ایران و ترکیه در بخش اقتصاد بود و با تعمیم آن به سایر دولت‌ها، همگرایی را گسترش داد. همچنین، تولیدات خام فراوانی که در دولت‌های منطقه شاهد هستیم، موجب عدم مکملیت اقتصادی دولت‌های خاورمیانه و

1. Economic Complementarity

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

بدین‌گونه موجب افزایش تجارت برون منطقه‌ای شده است. اما ظرفیت دولت‌های خاورمیانه برای تجارت درون منطقه‌ای در بخش انرژی و حمل و نقل بسیار زیاد است. در نتیجه دولت ایران با منابع انرژی غنی و دولت ترکیه با در دست داشتن ترانزیت و حمل و نقل می‌توانند همکاری‌های گسترده‌ای در بخش اقتصادی و انتقال منابع انرژی با دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای داشته باشند. از سوی دیگر، وحدت پولی اروپا با واحد یورو به عنوان نقطهٔ عطف و بزرگ‌ترین نماد در روند همگرایی اروپا نمود دارد که همان نماد هویت مشترک اروپا و سمبل وحدت و یکپارچگی بین دولت‌های اروپایی است. در واقع، این روند مهم‌ترین اتحاد اقتصادی اروپا قلمداد می‌شود. اما در طول تاریخ، دولت‌های اروپایی با تنوع قومی و مذهبی بسیاری مواجه بوده‌اند. در نتیجه برای جلوگیری از منازعات قومی و مذهبی ناشی از تنوع، به اتخاذ سیاست چندفرهنگ‌گرایی مبادرت کردند که در این سیاست هویت‌های جداگانه قومی و مذهبی با حقوق خاص خود به رسمیت شناخت شده‌اند. در تکمیل این اقدامات، اتحادیه اروپا برای ایجاد یک هویت فراملی اروپایی به دیپلماسی فرهنگی روی آورده است و اقدامات فرهنگی متعددی را پایه‌ریزی کرده است. منطقه خاورمیانه به لحاظ انسجام اجتماعی و فرهنگی، از وضعیت متجانس‌تری نسبت به اروپای قبل از تشکیل اتحادیه برخوردار است. به لحاظ اجتماعی و فرهنگی و دینی اشتراکات بسیاری نزد دولت‌های خاورمیانه وجود دارد و همهٔ دولت‌ها در حوزه تمدن بزرگ اسلامی قرار دارند. به لحاظ بافت مذهبی مسلمان هستند، به لحاظ قومی و زبانی عرب، ترک، فارس و کرد هستند که همگی در روند همگرایی در منطقه می‌تواند نقش مثبتی داشته باشد. اما به‌رغم اشتراکات فرهنگی و اجتماعی مذکور، به دلیل فقدان فرهنگ دموکراتیک و عدم باور به کثرت‌گرایی فرهنگی تا دستیابی به هویت فراملی و منطقه‌ای فاصله دارند. کمبود یا فقدان ارتباطات فرهنگی نیز مزید بر علت شده است. در واقع، عوامل فرهنگی به‌خصوص در مسئله مذهب، مهم‌ترین چالش در روابط بین کشورهای خاورمیانه است؛ زیرا به‌رغم اشتراکات بسیار زیاد در امور فرهنگی و دینی، دولت‌های منطقه با توجه به تنوع فرهنگی به چالش بزرگی در مسئلهٔ مذهب برخورد کرده‌اند که با استفاده از تکثرگرایی فرهنگی و کثرت‌گرایی دینی می‌توانند چالش خود را تبدیل به فرصت نموده و انسجام فرهنگی در منطقه را افزایش دهند.

در اتحادیه اروپا شاهد انسجام سیاسی و همگنی نسبی بین ساختارهای سیاسی حاکم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

بر دولت‌های اروپایی هستیم. ایدئولوژی لیبرال دموکراسی پایه و اساس حکومت‌داری در دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست. اشتراک در ارزش‌ها، موجب اشتراک در اهداف و اولویت‌های دولت‌های عضو و وحدت در موضع‌گیری‌های داخلی و خارجی شده است. در نتیجه برای دستیابی به همگرایی در منطقهٔ خاورمیانه نیز یکی از مهم‌ترین عوامل، دستیابی به ساختار سیاسی مشابه می‌باشد. اما برخی از دولت‌ها در خاورمیانه هراس از تهدید استقلال سیاسی و تحدید حاکمیت ملی داشته و همین امر مانع از دستیابی به همگرایی منطقه‌ای بین آنها شده است. دو دولت ترکیه و ایران به عنوان آغازکنندهٔ این روند، ابتدا باید ساختار سیاسی متناسب با وضعیت سیاسی منطقه را در دولت‌های خود مستقر کرده و با نزدیک کردن ارزش‌های سیاسی خود به یکدیگر در ادامه آن را به سوی تجانس منطقه‌ای تعمیم دهند.

گرچه ایجاد همگرایی در منطقهٔ خاورمیانه هنوز تا رسیدن به یکپارچگی و انسجام اقتصادی مشابه اروپا فاصله زیادی دارد، اما با مشاهده این نمونه عینی و موفق (اتحادیه اروپا) در بین دولت‌های منطقه، می‌توان خوش‌بینانه انتظار دستیابی به ساختار اقتصادی واحد و حد اعلای آن، وحدت پولی در خاورمیانه در آینده به شرط همکاری تمامی دولت‌های منطقه با آگاهی از فواید انسجام اقتصادی و سیاسی حاصل از همگرایی را داشت. ترکیه به عنوان دولتی که تا حدی خود را به قوانین دولت‌های اروپایی نزدیک کرده و به عنوان دولت میانجیگر، می‌تواند با تعامل اقتصادی مداوم با ایران و گسترش این تعاملات با سایر دولت‌های منطقه و توانایی دادوستد در تمامی منابع نفت و گاز و انرژی، با برقراری انسجام اقتصادی و تبدیل اقتصاد منطقه به اقتصادی پویا و ترغیب دولت‌ها به بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی خود به انسجام سیاسی کمک کند. در نتیجه همانند اتحادیه اروپا، دولت‌های منطقه خاورمیانه نیز با الگوبرداری از این روند همگرایی اروپایی می‌توانند با تشکیل ائتلافی بین ترکیه و ایران، ابتدا در حوزه اقتصادی و گسترش آن به سایر دولت‌های منطقه و برقراری امنیت در پی همکاری‌های اقتصادی، قدم‌های اولیه همگرایی را در منطقه برداشته و با ایجاد ساختار سیاسی متناسب با ارزش‌های سیاسی دولت‌ها این روند را تکمیل کنند. بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی و اجتماعی دولت‌های منطقه می‌تواند در تسهیل دستیابی به همگرایی نقش اساسی داشته باشد.

پیشنهادها

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

بحث و نتیجه

برای دستیابی به همگرایی در خاورمیانه، نظریه نوکارکردگرایی ارنست هاس برای نمونه موفق اروپا در تشکیل اتحادیه اروپا می‌تواند برای انتخاب دو دولت پیشتاز و برقراری تعاملات در حوزه‌های مختلف با اولویت روابط اقتصادی رهنمون باشد. متأسفانه دولت‌های قدرتمند در جنوب غربی آسیا مانند عربستان و ایران فقط به دنبال تحکیم منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود بوده و به جای تعامل و تعاون با یکدیگر در مقابل هم ایستاده و هر یک ساز برتری خود را در منطقه می‌زنند. این دو دولت با توجه به دارا بودن ذخایر زیرزمینی فراوانی که دارند، از نظر اقتصادی خود را برتر دانسته و در صدد تحکّم بر سایر دولت‌ها در منطقه هستند. در این میان، کشورهای غربی نیز با پاشیدن بذر نفاق و دشمنی بین این دو دولت، بر این مسئله دامن زده‌اند. نظر بر اینکه دیپلماسی ترکیه از نظر مسائل علمی- فرهنگی و برخی مسائل سیاسی با ایران هم‌راستاست، نیز با مشاهده موقعیت برتر اقتصادی و همچنین دستیابی به فناوری هسته‌ای ایران در جنوب غربی آسیا و منافعی که ترکیه در فرایند همگرایی با ایران می‌بیند، می‌تواند در ایجاد همگرایی بین دو دولت پیشتاز باشد. در واقع، این فرایند طبق نظر نوکارکردگرایان با توجیه ارتباط بین قدرت و همکاری و همچنین مشخص کردن این نکته که این روش رسیدن به همگرایی مبتنی بر منافع و پرهیز از آرمان‌گرایی است، تئوری مناسب و منطقی‌ای در جنوب غربی آسیا می‌تواند باشد. بنابراین، همانند همکاری و همگرایی دو دولت فرانسه و آلمان در بخش ذغال و فولاد و موفقیت بی‌سابقه‌ای که برای اروپا طبق نظریه هاس ابتدا در بخش اقتصادی و سپس سیاسی و امنیتی دو دولت و در ادامه با سرریز به سایر دولت‌ها رقم خورد، می‌توان انتظار تکرار آن با مدلی دیگر در جنوب غربی آسیا بین دو دولت ترکیه و ایران و سرریز آن به دولت‌های خاورمیانه را داشت.

طبق نظریه هاس باید گام به گام و پله به پله در جهت رفع چالش‌ها و یافتن زمینه‌های همکاری و همگرایی حرکت شود. طبق همین نظریه یک سیال اولیه برای سرریز کردن ظرف همگرایی نیاز است. شناسایی این سیال مهم‌ترین هدف این پژوهش بوده است. این سیال اولیه، «همکاری و همگرایی بین ایران و ترکیه در زمینه اقتصادی» است. با توجه به قطب‌بندی فعلی در خاورمیانه که در یک سمت آن عربستان سعودی و در سمت دیگر آن ایران قرار گرفته است، ترکیه بهترین رابط بین این دو جریان خواهد بود. بهبود روابط مابین ایران، ترکیه و عربستان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

سعودی، کلید برون‌رفت از بحران‌های فعلی منطقه است. ترکیه می‌تواند به بهترین شکل ممکن از روابط مطلوب خود با ایران و عربستان، در جهت تحقق همگرایی در جنوب غربی آسیا و به تبع آن درخاورمیانه استفاده کند. اما برای متفق کردن دولت‌های ایران و عربستان با میانجیگری ترکیه، لازم است این دو قدرت منطقه آگاهی‌های امنیتی و سیاسی خود را افزایش دهند. این آگاهی باید برای سایر دولت‌های منطقه نیز مورد توجه قرار گیرد. برای دستیابی به چنین آگاهی باید قدرتمندیِ منطقه هدف اول تمامی کشورهای منطقه قرار گیرد و برای دستیابی به این هدف باید یک شعار مشترک فراملی در ذهن همه تداعی شود. این شعار فراملی «قدرتمندیِ منطقه، نه قدرتمندی در منطقه» خواهد بود. در راستای این شعار و چشم‌انداز، هدف اصلی دولت‌های منطقه نباید محدود به کشور خود یا فقط کشور همسایه باشد. قدرتمندی هر دولت در منطقه نباید در گروی تضعیف قدرت‌های دیگر باشد؛ بلکه تمامی دولت‌های منطقه با دارا بودن فرصت‌های کم و بیش خود، باید در مسیر اصلی و چشم‌انداز قدرتمند شدن منطقه خاورمیانه در جهان قرار گیرند و به جای توسل به دولت‌های غربی و شرقی برای تداوم قدرت خود در منطقه، به همکاری با دولت‌های همسایه و هم منطقه‌ای خود بپردازند.

آگاهی نداشتن از موقعیت استثنائی منطقهٔ خاورمیانه باعث شده تا دولت‌های فرامنطقه‌ای همیشه با سیاست «تفرقه‌اندازی و حکومت کردن» در پی تضعیف کل منطقه باشند. برای چنین بیداری سیاسی‌ای نیاز است که ابتدا دو دولت که از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک و توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از سایر دولت‌های منطقه دارای قدرت بیشتری هستند، این نحله را آغاز کنند. با توجه به موقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و فرهنگی شناسایی شده در منطقه، دو دولت غیر عرب ایران و ترکیه که نسبت به بقیه دولت‌ها در موقعیت بهتری قرار گرفته‌اند، به عنوان آغازکنندهٔ این همگرایی منطقه‌ای مناسب هستند. نهادسازی یکی از مهم‌ترین موارد در بحث همگرایی است. دو دولت ایران و ترکیه می‌توانند از فرصتی که افزایش حجم تجارت دو کشور برایشان به ارمغان آورده است، در جهت ایجاد و تقویت نهادهای اقتصادی مشترک بهره گیرند. برای مثال، تقویت اتاق‌های مشترک بازرگانی بین دو کشور و همچنین ایجاد بازارچه‌های مرزی دو مورد از مهم‌ترین این اقدامات می‌تواند محسوب شود. در واقع، ایران و ترکیه باید ابتدا رایزنی‌های مختلفی را در زمینه اقتصادی انجام دهند و با تعریف و توجیه چشم‌انداز «قدرتمندیِ منطقه، نه قدرتمندی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

در منطقه» زمینه‌های پیاده‌سازی این هدف را با رهبری دو دولت تدارک ببینند و سپس طبق نظریه سرریز هاس، به سایر کشورها به صورت مرحله‌ای انتشار دهند. در گام بعدی مسائل امنیتی برای پایداری همکاری‌های اقتصادی، ضروری است. بنابراین، سرریز اول به سمت مسائل امنیتی و ایجاد سیستم امنیتی مشترک خواهد بود. ایران و ترکیه برای دستیابی به هدف خود باید چالش‌های مشترکی را که دارند رفع کرده و با تبدیل آن به یک فرصت، به رفع چالش‌های دیگر خود بپردازند و به گونه‌ای ابزار قدرت منطقه را به دست گیرند که بتوانند همکاری سایر دولت‌های منطقه را به دست آورند. دولت‌هایی همچون عربستان که تا حدی دارای فرصت‌های مناسبی هم‌طراز با ایران و ترکیه هستند، در وارد شدن به این چشم‌انداز در اولویت هستند. بنابراین، سرریز شدن و اجرایی کردن چشم‌انداز همگرایی منطقه باید بعد از ایران و ترکیه در عربستان رخنه کرده و به همین ترتیب با مدیریت قوی که هنگام اجرایی کردن چشم‌انداز فوق توسط ترکیه صورت می‌گیرد، به ترتیب از عربستان شروع و به همین منوال در دولت‌های دیگر صورت گیرد. برای رسیدن به این اتحاد و ایجاد حس اعتماد و اطمینان در دولت‌های منطقه از عربستان بزرگ تا کشورهای کوچک، برگزاری جلسات منطقه‌ای و تشکیل اتحادیه‌ای فراملی با چشم‌اندازی روشن که اعتماد اکثر دولت‌های منطقه‌ای جلب شده باشد، می‌تواند راه‌گشا باشد. بنابراین، توانایی دولت‌های ایران و ترکیه برای استقرار سیستم امنیتی مشترک در منطقه گام مهم و بعدی روند همگرایی خواهد بود. واضح است که ایجاد سیستم امنیتی مشترک منطقه‌ای نیازمند همگرایی سیاسی واحدهای منطقه خواهد بود. بنابراین، به سادگی سرریز بعدی به همگرایی سیاسی خواهد بود. این روند به همین‌گونه به بخش‌های مختلف دیگر سرریز خواهد کرد و در نهایت به تمامی دولت‌های منطقه رسوخ کرده و شاهد یک اتحادیه فراملی با حضور تمامی دولت‌های منطقه خواهیم بود که تصمیم‌گیری‌های بزرگ در این اتحادیه فراملی انجام خواهد شد. دین اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای همگرایی، یکی از بهترین مواردی است که می‌تواند سرریز اولیه را تسهیل کند. همچنین روابط علمی و فرهنگی بین ایران و ترکیه می‌تواند به این سرریز کمک کند. ایران و ترکیه با داشتن پتانسیلی بالا در زمینه فعالیت‌های دانشگاهی و دارا بودن دانشگاه‌های متعدد و مجهز می‌توانند به جذب و تربیت دانشجویان از منطقه خاورمیانه بپردازند. آموزش‌هایی که با تأکید بر منافع همگرایی در خاورمیانه همراه باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

پیشنهادها

براساس نتایج به دست‌آمده از نمونهٔ موفق اتحادیه اروپا در پی روابط اولیه بین فرانسه و آلمان و همچنین پس از شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های روابط ایران و ترکیه در مناسبات اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی و نقش اساسی‌که ایران و ترکیه از نظر موقعیت جغرافیایی در منطقه دارا هستند، به منظور آغاز روند همگرایی در منطقه، پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:

۱. تعاملات تجاری در تمامی زمینه‌های اقتصادی بین ایران و ترکیه با از سر راه برداشتن هرگونه موانع سیاسی، فرهنگی و ... توسط دو دولت به بالاترین میزان برسد.

۲. برای تحکیم تعاملات تجاری بین ایران و ترکیه، سطح ارتباطات سیاسی و امنیتی بین دو دولت افزایش یابد.

۳. پس از انجام مراحل اول و دوم، سایر دولت‌های منطقه به تدریج وارد اتحادیه اقتصادی جدید شوند.

٤. با تشکیل اتحادیه فراملی، دولت‌های عضو در جهت تأمین امنیت منطقه، به ایجاد سیستم امنیت جمعی منطقه‌ای اقدام کنند.

۵. ورود هر عضو جدید با قبول شرایط و ضوابط سیستم اقتصادی و تجاری و سیستم سیاسی و امنیتی ایجاد شده باشد. البته دو دولت ایران و ترکیه وظیفهٔ ترغیب دولت‌های دیگر را برای ورود به این اتحادیه بر عهده دارند.

٦. ایران و ترکیه با تبادل اطلاعات علمی بین دانشگاه‌های خود و جذب دانشجویان سایر کشورهای منطقه، سطح آگاهی دانشجویان را در مورد فواید همگرایی افزایش دهند.

۷. مهم‌ترین وظیفهٔ اتحادیه فراملی جدید، جلوگیری از ایجاد هرگونه اختلاف قومیتی و مذهبی می‌باشد. زیرا با ایجاد اتحادیه، به طور حتم قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در خاورمیانه در تلاش برای ایجاد این‌گونه مشکلات خواهند بود.

۸. شاید گام نهایی و استحکام‌بخش برای تداوم کار اتحادیه فراملی، حرکت به سمت ایجاد واحد پولی مشترک و حذف روادید میان شهروندان دولت‌های عضو باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

منابع

احمدیان، قدرت؛ دانش‌نیا، فرهاد و کرمیان، کرم رضا (زمستان ۱۳۹۵). «هویت و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه». *فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره چهارم، صص ۱۴۱-۱۷۳.

احمدی‌پور، زهرا؛ جنیدی، رضا و آقاگل‌زاده، فردوس (پاییز ۱۳۹۵). «مفهوم‌سازی گفتمان ژئوپلیتیکی تروریسم: تصویرسازی ژئوپلیتیکی دولت بوش از خاورمیانه». *مجله علمی- پژوهشی ژئوپلیتیک*، شماره ۴۳، صص ۲۸-۵۳.

اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر (۱۳۹۶). *سیاست خارجی و امنیت در روابط ایران و ترکیه*. تهران: انتشارات انجمن معلمان.

اسماعیلی، بشیر؛ زارع‌زاده محمد و فلاح، محمد (پاییز ۱۳۹۵). «افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه». *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، شماره ۲۸، صص ۱۷۹-۱۹۸.

بزرگمهر، مجید (پاییز ۱۳۸۵). «نظریه‌پردازی در همگرایی اروپایی؛ گذر از نظریات فراگیر به نظریات بخشی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۷۳، صص ۱۱۴- ۸۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (تابستان ۱۳۹۱). «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۸۰، صص ۱۳۹-۱۵۴.

خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۶). همگرایی تهران- آنکارا و سمت و سوی تحولات خاورمیانه. برگرفته از سایت: http://www.irna.ir/fa/News/82686096.

دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: قومس.

رضایی، محسن (۱۳۸۸). راهبرد آمریکایی برای کردستان. باشگاه اندیشه ایران، قابل دسترس در سایت: http://www.bashgah.net/pages-16052.html.

رضایی، محسن (۱۳۸۸). ایران و ترکیه ضامن صلح و توسعه خاورمیانه خواهند بود، برگرفته از سایت: http://rezaee.ir.

رضازاده، سخاوت (اسفند ۱۳۸۷). «استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران». *پژوهشنامه سیاست خارجی*، صص ۱۱۹-۱۴۶.

سیف‌زاده، احمد (۱۳۷۹). *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری*. تهران: انتشارات سمت. ص ۳۰۸.

شفیعی، آمنه (آبان ۱۳۹۰). *فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ترکیه در تحولات خاورمیانه*. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.

صدیق، میرابراهیم (۱۳۹۴). *روابط ایران و ترکیه* (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳). تهران: مجد.

صدیق بطحایی اصل، میرابراهیم؛ صراف یزدی، غلامرضا و صبری، محسن (تابستان ۱۳۹۱). «نقش و تأثیر

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه». *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۹، صص ۱۷۵-۲۰۳.

عباسی، ابراهیم و نقاش، سعیده (پاییز ۱۳۹۳). «عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ترکیه و جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲تا ۲۰۱۲) دوران حزب عدالت و توسعه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۳۵-۵۲.

عیوضی، محمدرحیم و حسینی، عبدالله (تابستان ۱۳۹٤). «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات چند سال اخیر جهان عرب». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)*، سال چهارم، شماره ١٤، صص ۹۵-۱۱۹.

غائبی، محمدرضا (تابستان ۱۳۹۵). «اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه». *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۰، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۳.

غبیشاوی، رضا (۱۳۹٤). ۷ نکته درباره روابط منطقه‌ای ایران و ترکیه. http://asriran.com.

قاسمی، حاکم و حسن‌زاده، آرام (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی». *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال سوم، شماره ششم.

قائم پناه، صمد (بهار ۱۳۹۰). «تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه بعد از جنگ سرد (۲۰۰۸-۱۹۸۹م)». *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۵۱-۸۲.

کاکایی، سیامک (۱۳۹۲). بازگشت آنکارا به خوان اول. برگرفته از سایت: http://www.irdiplomacy.ir.

کریمی فرد، حسین (۱۳۹٦). «تعادل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه». *سیاست*، شماره ۱۳، صص ۷۱-۸٤.

گودرزی، مهناز (۱۳۹۳). «جهانی شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۳۵-۳۵۳.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸٦). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.

نعمتی، فرزاد (مرداد ۱۳۹٤). *ارزیابی فضای روابط ایران و ترکیه*. پایگاه تحلیلی خبری بصیرت.

Ala'Aldeen, D. & Palani, K. & Babunashvili, G. & Balisdell, J. (February 2018). "EU and Turkish Energy Interests in the Caspian and Middle East Region". *FEUTURE Online Paper*, No. 13.

Ataç, A. (2016). "A comparative civilizational reading for the Middle East and Turkey's new role in it". *Global change, Peace & Security*, Vol. 28, No. 1, pp. 99-115.

Barkey, H. J. (2011). *Turkish Foreign Policy and the Middle East*. Pp. 1-2. Available at http://www.ceri-sciences-po.org/ressource/n10_06062011.pd.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]

Cetinsaya, G. (2007). "Turkish – Iranian Relations since the Revolution". *Turkish Review of Middle East Studies*, Vol. 26.

Dougherty, J. & Pfaltzgraff, R. (1971). *Contending Theories in International Relations.* Philadelphia, J. B. Lippincott Company.

Lindenstrauss, G. M. (2018). *Turkey and Iran: Two Regional Powers and the Relations Pendulum*. https://www.researchgate.net/publication/323757097.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۷
شهبازی، سهند؛ مسعودنیا، حسین؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۸)، «تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۱، بهار ۹۸، صص ۱۸۹-۱۶۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-11]